

تصویر شماره ۱: سوره
حمد اثر امیر عاملی

نظریه و نقد در هنر خوشنویسی

کاوه تیموری

اشاره

هنر خوشنویسی با سابقه خود هنوز از امتیاز نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی برخوردار نشده است. ابعاد کاربردی و هنری شاخه‌ها و شیوه‌های خوشنویسی این ظرفیت را دارند که در چارچوب‌های نظری قابلیت مطالعه و تحلیل جامع‌تری بیابند. جای دستگامی مفهومی که بتوان اصول بنیادی خوشنویسی را در آن جانمایی کرد خالی است. این نکته موجب شده است که خوشنویسی با وجود حیات هنری دیرینه خود از قافله سایر هنرها عقب بماند. برای درک موضوع، کافی است ابعاد نظری هنر تجسمی گرافیک و نظریه‌های تولیدشده مرتبط با آن را با مطالب نظری خوشنویسی مقایسه کنیم. این مقاله تأخیر نظری در عرصه گسترده خوشنویسی را به خوبی نشان می‌دهد. برای این کار و پاسخگویی به این خلأ مهم کار را باید آغاز کرد. در مقاله‌ای که در پی می‌آید، مبنای اولیه مورد توجه قرار گرفته است اما آن را باید گام اول به حساب آورد که به تکمیل و تکامل نیاز دارد.

کلیدواژه‌ها: نظریه‌سازی، خوشنویسی، نکات اولیه، نقد و تحلیل



تصویر شماره ۲: سیاه‌مشق اثر صداقت جباری

**لازم است اهل
خط صبور باشند و
دریافت‌های تازه‌ای
مبتنی بر بینش
خوشنویسی کسب
کنند**

قطعات و آثار خوشنویسی ارتقا پیدا کرده است. خوشنویسی در دوره فعلی با مخاطب چشم و گوش بسته روبه‌رو نیست.

۴- ارزیابی آثار خوشنویسی می‌تواند بر دو پایه حس و تکنیک انجام شود؛ گرچه تعادل و توازن در این دو اصل، پایه و زمینه کار است. ۵- خوشنویسی معاصر به‌مثابه منظومه‌ای بزرگ دارای اجزای به‌هم‌پیوسته‌ای است. بنابراین، برهم زدن یک جزء در سرنوشت سایر اجزا نیز اثر دارد. باید کلیت این منظومه را فهمید. در صدرنشاندن غیرمنطقی یک بخش یا یک شیوه و به زیرکشیدن غیرمنطقی بخش‌ها و شیوه‌های دیگر کارایی ندارد. به همین سان، داشتن «نگاه کل‌گرا» لازمه کار می‌باشد.

۶- در شرایط فعلی و در شرایط خوشنویسی معاصر ایران هم‌زمان به نظیره‌نویسان پراحساس، تلفیقی‌نویسان جست‌وجوگر، مستقل‌نویسان مبدع نیازمند است.

۷- در خوشنویسی مایه و زمینه آفرینندگی مفردات و کلمات‌اند و این محدودیتی بزرگ است که هر خوشنویس با آن روبه‌روست. پس، نوآوری به‌راحتی میسر نیست و هر تلاشی الزاماً به نوآوری و خلاقیت نمی‌رسد.

تقسیم‌بندی اولیه

با در نظر داشتن پل‌های تفاهم ذکرشده، دسته‌بندی اولیه از عموم خوشنویسان کشور و با تکیه بر خط نستعلیق ارائه می‌شود؛ هرچند که این تقسیم‌بندی قابلیت تعمیم به خوشنویسان سایر خطوط را دارد.

تقسیم‌بندی و صورت‌بندی از چهار دسته خوشنویسان معاصر

۱- مقلدان که حیات خط مرهون حضور

مبانی نظری و پل‌های تفاهم اولیه

قبل از اینکه وارد تحلیل و جمع‌بندی از آثار خوشنویسی شویم، ناگزیریم مباحث نظری را مورد توجه قرار دهیم. در طلیعه موضوع نظریه‌پردازی لازم است چند محور مهم را که به اقتضای خوشنویسی معاصر ایران است، مرور کنیم.

۱- اول اینکه هرگونه تقسیم‌بندی و دسته‌بندی یا توصیف و تحلیل کامل نیست به خاطر داشته باشیم اگر یک تقسیم‌بندی بتواند بیشتر از پنجاه‌درصد سلايق را جوايگو باشد، به یکی از مؤلفه‌های فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود. بنابراین، در ارزیابی مطالب ارائه‌شده مقبولیت نسبی را باید لحاظ کرد.

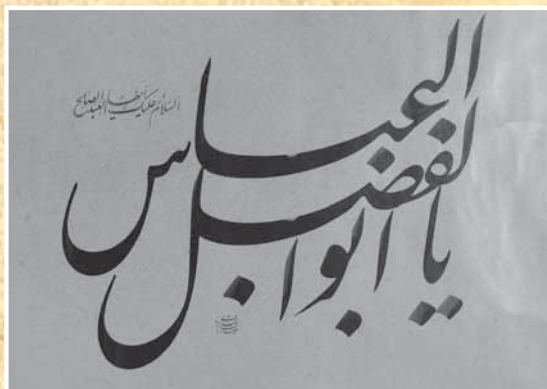
ضمن اینکه باید توجه داشته باشیم که به عقیده ناظران بیرونی هنر خوشنویسی هنوز در مبانی نظری و صورت‌بندی مفاهیم و تعریف کلیدواژه‌ها در مراحل ابتدایی است. بنابراین: به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم (سعدی) نباید به خاطر دشواری کار به آن وارد نشد. به قول اهل فلسفه «یک امر ممکن را نباید فدای یک امر محال کرد.» نهایت اینکه بنا به پیش‌فرض معارف نگارنده این تقسیم‌بندی دارای مشکلاتی است؛ مثل همه چیز.

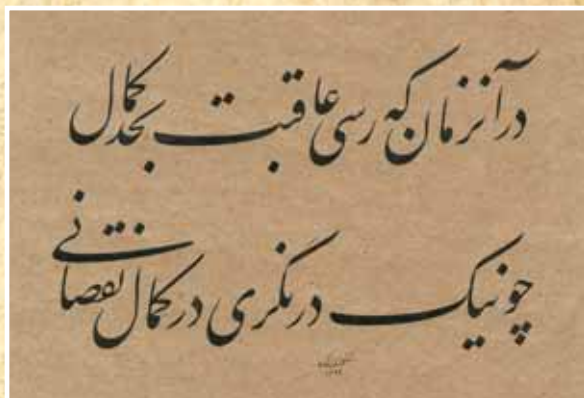
۲- نکته بعد اهمیت موضوع نظریه‌سازی در خوشنویسی است. خوشنویسی معاصر ایران برای رهایی از تقلید، کلیشه و تکرار به دو بال بینش و کار عملی به شکل توأمان نیاز دارد. نظریه‌سازی برای خوشنویسی که رهروان آن از جنس مرید و مرادند، بسیار دشوار است و در چنین شرایطی، به‌راحتی امکان‌پذیر نیست.

اما لازم است اهل خط صبور باشند و دریافت‌های تازه‌ای مبتنی بر بینش خوشنویسی کسب کنند. برای این کار، ما در مقدمات راه هستیم و هنوز منظومه کاملی که به تمام نیازهای نظری خط پاسخ دهند، فراهم نیامده است. بنابراین، باید برای نظریه‌سازی تلاش کرد.

۳- ذائقه زیبایی‌شناسی مخاطب نسبت به



تصویر شماره ۴: قطعه ترکیبندی اثر صداقت جباری



تصویر شماره ۳: دوسطری اثر محمد جوادزاده

شیوه‌ها ارائه کند.

نمونه موردی یا مثال:

برای نمونه، شیوه خوشنویسی که هم‌زمان مزایای زیبایی‌شناختی هر دو مکتب میرعماد و کلهر را در خود منعکس کند، مصداق تعریف فرایند تلفیقی نویسی است.

تعریف مستقل نویسی:

خوشنویس مستقل نویس هنرمندی است که در اثر تلفیق مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی دو یا چند مکتب و یا چند شیوه شناخته‌شده و افزودن دیدگاه‌ها و شگردهای زیبایی‌شناختی خود، به نظام مستقل خوشنویسانه‌ای دست یافته که پیش از آن وجود نداشته است و تازه و نوآورانه به حساب می‌آید.

نمونه موردی یا مثال:

برای نمونه، شیوه خوشنویسی که علاوه بر داشتن مزایای زیبایی‌شناختی مکتب میرعماد، کلهر و شیوه عمادالکتاب با میرزاغلامرضا و دیگران و تلفیق آن‌ها به ظرفیت تازه‌ای در شیوه خوشنویسی برسد که نمونه مشابهی نداشته باشد و به نام پدیدآورنده آن ثبت شود.

هرم خوشنویسان

بر این اساس، هرم مورد توجه دارای این طبقات خواهد بود:



تلاش و حضور آن‌هاست؛

۲- نظیره‌نویسان که بر دو بال احساس و تکنیک در انتقال میراث خط نقش کلیدی دارند؛

۳- تلفیقی‌نویسان جست‌وجوگر؛ اینان در حال تلاش برای رسیدن عرصه‌های تازه خط‌اند.

۴- مستقل‌نویسان نادر که نظام هندسی مشخص دارند و رهیده‌شده از نام بزرگان می‌باشند.

حال ضمن تعریف اصطلاحات این تقسیم‌بندی، صورت‌بندی آن‌ها را در هر می‌ارائه می‌دهیم.

تعریف نظیره نویسی

خوشنویس نظیره‌نویس هنرمندی است که پس از آموختن کامل جزئیات و کلیات خط در یکی از مکاتب مهم و یا یکی از شیوه‌های شناخته‌شده، توانایی نگارش بر اساس ملاک‌های زیبایی‌شناختی آن مکتب یا شیوه را دریافته باشد. اثر خوشنویس نظیره‌نویس بیشترین تأثیر را از مکتب یا شیوه مورد علاقه‌اش می‌گیرد و می‌تواند آن مکتب یا شیوه را نمایندگی کند.

نمونه موردی یا مثال:

اثر خوشنویسی که مزایای زیبایی‌شناختی مکتب میرعماد یا یکی از شیوه‌های شناخته‌شده این مکتب را تا سر حد نظیره‌نویسی موفق در خطش منعکس کند، مصداق تعریف فوق است.

تعریف تلفیقی نویسی:

خوشنویس تلفیقی‌نویس هنرمندی است که فرایندی طبیعی با مطالعه علمی و نظری دو یا چند مکتب و شیوه مهم، شیوه نگارش خود را در قالب مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی آن مکاتب و

خوشنویس
تلفیقی نویس
هنرمندی است که
فرایندی طبیعی
با مطالعه علمی و
نظری دو یا چند
مکتب و شیوه مهم،
شیوه نگارش خود را
در قالب مؤلفه‌های
زیبایی‌شناختی آن
مکاتب و شیوه‌ها
ارائه کند.



تصویر شماره ۵: سیاه‌مشق اثر علیرضا جنگانی

ملاحظه می‌شود بیشترین تعداد در قاعدهٔ هرم و کمترین تعداد در رأس هرم قرار گرفته است. چنانچه با هرم یادشده پیش برویم، دو مفهوم جدید قابل بحث خواهد بود.

۱- تحرک هنری

نکته این است که در این شابلون، هر خوشنویس می‌تواند جایگاه خودش را تعیین کند و از این طریق به تبارشناسی خوشنویس یا- بهتر بگوییم- تبارشناسی خودش پی ببرد و نکتهٔ جالب‌تر اینکه نقل مکان خوشنویسان نیز قابل مطالعه است. هر خوشنویس با سلوک خود از جایگاهی به جایگاهی دیگر نقل مکان می‌کند. در واقع، ما با مفهوم جدید «تحرک هنری» روبه‌رو هستیم که در آن خوشنویسان گرایش‌های خود را عوض می‌کنند. - عده‌ای با تلاشی درخور توجه از مرحلهٔ تقلید خارج می‌شوند و آینه‌سان، شیوهٔ مورد نظر خود را منعکس می‌کنند که آن‌ها به‌عنوان نظیره‌نویس یاد می‌شود.

- در بحث شیوه، شماری از تلفیقی‌نویسان به‌عنوان خوشنویسان مطرح عرض اندام می‌کنند. اینان خود را از مرحلهٔ نظیره‌نویسی بااحساس به مرحلهٔ تلفیقی‌نویسی رسانده‌اند. - در نهایت، تلفیقی‌نویسان به مرحلهٔ مستقل‌نویسی ارتقا می‌یابند و به شیوهٔ منحصربه‌فرد خود دست پیدا می‌کنند. در یک طرح کلی، شما می‌توانید بر مبنای این ساختار و این نمودار ریشه‌ها و میوه‌ها را با هم نگاه کنید.

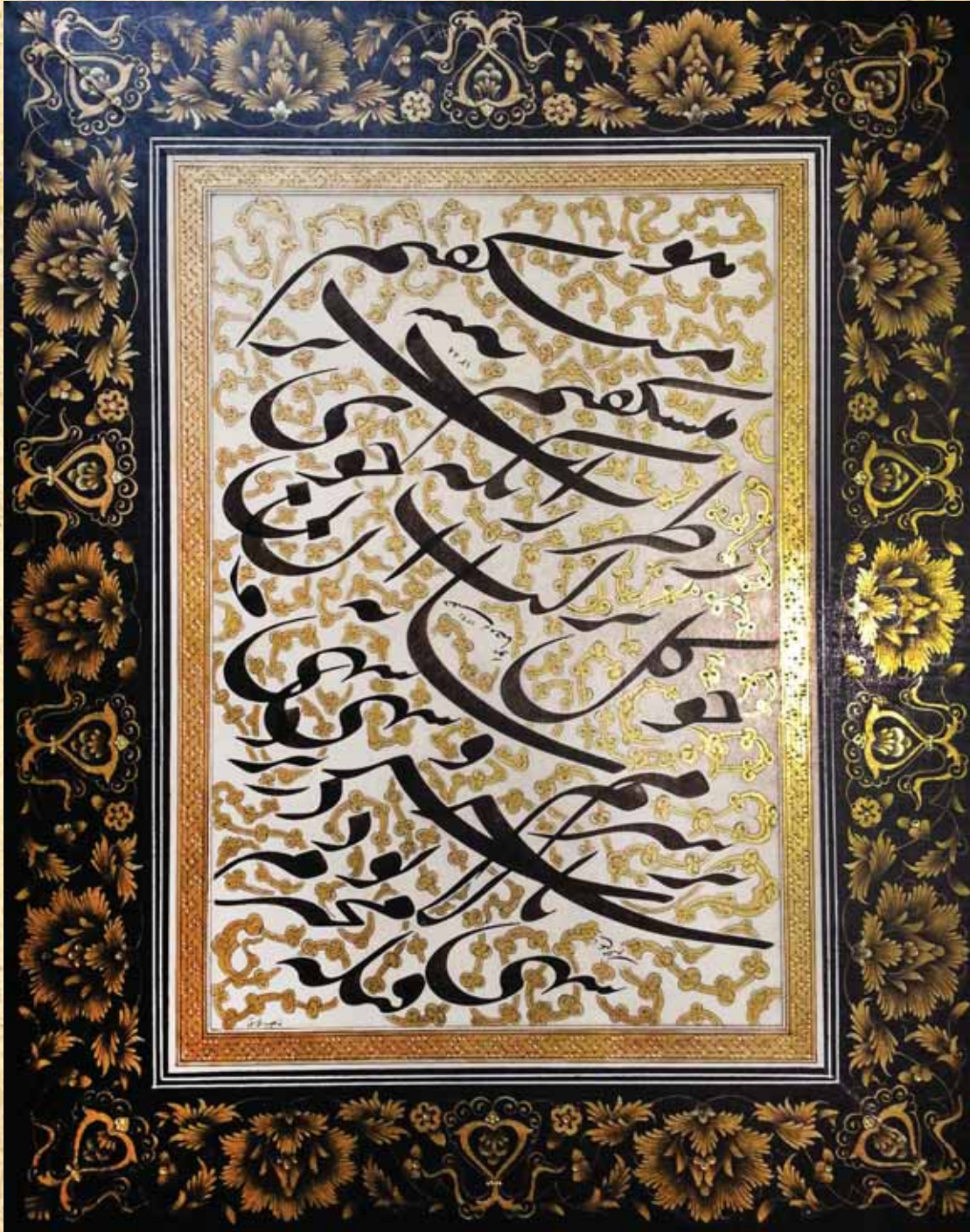
مهم این است که در پشت صحنهٔ این نمودار هویت خوشنویسی خوشنویس نهفته است و اینکه چگونه آن میوه از ریشهٔ اولیه آب می‌خورد. این نمودار نشان می‌دهد که خوشنویسی در ایران، به‌رغم تمام فرازوفرودها، همچنان

تسلسل تاریخی خود را حفظ کرده است. به قول شادروان اخوان، غنای تاریخی خوشنویسی در ایران نشان می‌دهد که ما با یک ملت کهنسال روبه‌رو هستیم که برای کاویدن هر بخش آن باید مجموعه‌ای از منابع و کتاب‌ها را بررسی کنیم.

اگر بخواهیم در مورد آینده‌پژوهی جریان‌های خوشنویسی سخن بگوییم، باید اشاره کنیم که در شیوهٔ تلفیقی می‌توان منتظر اتفاقات بسیار فرخنده بود. البته باید توجه داشته باشیم که ارزش و اعتبار یک مقلد موفق و نظیره‌نویس بااحساس کمتر از یک خوشنویس تلفیق‌گرا نیست.

مثلاً ارزش کار شماری از خوشنویسان در شیوه‌های استاد امیرخانی، استاد خروش، استاد اخوین، استاد احصایی و شماری دیگر به‌خاطر اینکه کمان شیوهٔ موردنظر را تا آخر کشیده و به‌عبارتی خط خود را به سرانجام و مقام رسانده‌اند، در سطح بالایی است اما گویا تحرک هنری نیاز زمان و یا حرکت با مقتضیات روزگار معاصر است؛ زیرا شماری از خوشنویسان مطرح خروج از شیوه‌ای را که به آن شناخته می‌شدند، در یک دههٔ گذشته آغاز کرده‌اند. استادان مطرحی چون فلسفی و شیرازی از دههٔ ۱۳۸۰ سمت و سوی شیوهٔ خود را به قدامت‌مایل کردند. استاد اسفندیار ستارپور (عبدالله) نیز پس از دوره‌ای توفیق در نظیره‌نویسی، در دههٔ ۱۳۹۰ آرام‌آرام ردپای شیوهٔ قبلی را در خط خود پاک کرد و به میرعلی هروی گرایش بیشتری

مهم این است که
در پشت صحنهٔ
این نمودار هویت
خوشنویسی
خوشنویس نهفته
است و اینکه چگونه
آن میوه از ریشهٔ
اولیه آب می‌خورد



تصویر شماره ۶: سیاه‌مشق اثر حبیب رمضانبیور



تصویر شماره ۷: قطعه قرآنی اثر مصطفی عابدینی

باشکل‌گیری قطب‌های مهم خوشنویسی راه استقلال برای افرادى که پیش از سی سال در این عرصه تلاش کرده بودند، گشوده شد

پیش‌ازاین، کارها و آثار هنری هر شاگردی در انتساب به استادش کارها و آثار هنری اش معنی می‌یافت.

با شکل‌گیری قطب‌های مهم خوشنویسی راه استقلال برای افرادی که بیش از سی سال در این عرصه تلاش کرده بودند، گشوده شد. در این مرحله مهم تاریخی، خوشنویسان صرفاً اعضای سیاهی‌لشکر برای استادانشان نیستند؛ زیرا دریافته‌اند که در حصاری این‌گونه، تأثیرگذاری خاصی نخواهند داشت. حتی در بین جوانان نوجو، خوشنویسان مطرحی

ظاهر شدند که مانند آیینة صیقل‌یافته تصویر را زیباتر از نقش انعکاس داده‌اند. بنابراین، رسیدن به استقلال و رهایی از سیطره نام‌های بزرگ ویژگی مهم خوشنویسی معاصر در دهه ۹۰ به بعد است. در این ویژگی، تنوع شیوه به رسمیت شناخته شده است. خوشنویسان جسوری بودند که دریافتند باید نستعلیق را از آغاز آن مطالعه کنند. بر این اساس، افق دید آن‌ها طول تاریخ خط را از نظر زیبایی‌شناسی کاوید. امروز نتایج درخشان این تلاش‌ها را در جریان‌شناسی خط معاصر درک می‌کنیم. برای هر جریان مهم تاریخی مابازایی در معاصران خودنمایی می‌کند. بنابراین، در مرحله نهایی تلفیقی نویسان زمانی وارد مرحله مهم «مستقل‌نویسی» می‌شوند که بتوانند نظام هنری تازه‌ای را پایه‌گذاری کنند که نتوان برای آن نمونه مشابه مثال آورد. این مرحله از خط شامل کسانی است که ارابه هنر خوشنویسی را به جلو می‌برند و تکامل آن را رقم می‌زنند.

مستقل‌نویسان نسل اول با طی مراحل مقلدنویسی، نظیره‌نویسی، تلفیقی‌نویسی به مرحله منحصربه‌فرد مستقل‌نویسی رسیده‌اند. در مرحله بعد، نسل دوم مستقل‌نویسان پس از عبور از مراحل نظیره‌نویسی و تلفیقی‌نویسی به

نشان داد. استاد قاسم احسنت، خوشنویس شیرازی، که توانایی خود را در جذب قابل توجه شیوه قبلی نشان داده بود، در دهه ۸۰ و ۹۰ کاملاً از این شیوه روی‌گردان شد و به شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی روی آورد. برای این نکته شواهد بیشتری می‌توان آورد اما همین میزان نیز نشان می‌دهد که تحرک هنری همیشه به‌عنوان متغیری مهم در نهانگاه ذهنی خوشنویسان وجود داشته است.

در این مراحل، خوشنویسان نظیره‌نویس ضمن امانت‌داری از الگو و شیوه خوشنویسانه، احساس و حس هنری خود را در اثر می‌دمند. این دسته از خوشنویسان در حفظ و تداوم شیوه‌های خط، نقش اساسی دارند. بدیهی است این دسته از خوشنویسان شیوه استادان معاصر و شماری دیگر از آن‌ها شیوه استادان قدیم را مینا قرار داده و در حقیقت، در سایه خوشنویسی مطرح و نام‌آور به حیات هنری خود ادامه می‌دهند. سقراط گفته است: «زندگی کوتاه است و هنر طولانی»، بنابراین بدیهی است خوشنویسان بی‌شماری وجود دارند که آرمان‌های خود را در افق دور دست‌ها جست‌وجو می‌کنند:

این دسته از خوشنویسان برآن‌اند که میدان هنری مکاتب و نام‌آوران خط را درک کنند. اینان درصددند تلفیقی از ویژگی‌های چند مکتب یا شیوه مهم را ارائه کنند. برای نمونه، تلاش‌های خوشنویسان در نهضت بازگشت به قدما و تلفیق آن با مزایای زیبایی‌شناسی معاصران از این حیث درخور بررسی است. خاصیت شیوه‌های خوشنویسی در روند تلفیقی این است که یکدیگر را تکمیل می‌کنند و از ترکیب ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آن‌ها شیوه‌ای تازه شکل می‌گیرد. این تلاش‌ها دستاوردهای چشمگیری نیز داشته‌اند.

ویژگی خوشنویسی دهه ۱۳۹۰

خوشنویسی دهه ۹۰ دارای ویژگی مهمی است. به این معنا که به تحقیق در خط نستعلیق و تقریباً خط شکسته نستعلیق در این دهه، از سیطره نام‌های بزرگ کاسته شده است.

گذر از نظیره نویسی
و روی آوردن به
تلفیقی نویسی
آزمون دشواری
است. برای تلفیق
نویسی مطالعه
و مشق بی امان
لازم است. این
حرکت فقط در
روندی طبیعی
(غیر مصنوعی)
امکان پذیر است

زبان خوشنویسی مستقلی دست یافتند و خود به خوشنویسان مستقل نویس مطرحی تبدیل شدند. البته باید توجه داشته باشیم که این تقسیم بندی را با خط کشی صددرصدی نمی توان از هم تفکیک کرد. برای نمونه، خوشنویسی تلفیقی نویسی تا زمان تثبیت نهایی به حریم مستقل نویس رفت و برگشت دارد و این تجربه را تا رسیدن به مرحله تکامل تکرار می کند. در واقع ما شاهد مرحله گذار بین تلفیقی نویسی و مستقل نویسی می باشیم. به طور طبیعی و الزاماً هر خوشنویسی که راه تلفیق شیوه ها را دنبال می کند به مرحله مستقل نویسی نمی رسد.

نکته دیگری که باید بدان توجه داشت، ارزش کار خوشنویسان نظیره نویس است. ارائه قطعه ای شناسنامه دار و مبتنی بر حس قوی و تکنیک بالا کار دشواری است. نظیره نویسان با احساس همواره با قطعات فاخر حال و گذشته خوشنویسی را به هم پیوند می دهند. اینان همواره شیوه سنتی را با نگاه تازه ای ارائه می کنند. از این حیث، خوشنویسان نظیره نویس معاصر در شیوه های گوناگون خدمت گزاران واقعی خط هستند.

گذر از نظیره نویسی و روی آوردن به تلفیقی نویسی آزمون دشواری است. برای تلفیق نویسی مطالعه و مشق بی امان لازم است. این حرکت فقط در روندی طبیعی (غیر مصنوعی) امکان پذیر است. در دوره معاصر شاهد تلاش هایی بوده ایم که در مواردی نتیجه مطلوب نداشته است؛ زیرا مهرورزی خطاط به شیوه اولیه و اثرپذیری اش از آن چنان بود که به رغم به نمایش گذاشتن خطی زیبا، همچنان در سیطره شیوه مبدأ باقی مانده است. بودند کسانی که می خواستند از شیوه مبدأ عبور کنند ولی توفیق نداشتند و حتی خط خود را دچار آسیب کردند؛ زیرا قدرت تلفیق نهایی در خط آن ها به منصفه ظهور نرسید. تلفیقی نویس موفق خوشنویسی است که توان تلفیق دو یا چند نظام خوشنویسانه (معاصر و قدیم) را به شکل توأمان در ذهن و در

عرصه اجرا داشته باشد و از ترکیب و تکمیل دو با چند نظام خوشنویسی، اثری مقبول از نظر زیبایی شناختی فراهم آورد. این راه، راه دشوار و کم رهروی است.

۲- تکامل خط

هر یک از دسته های ذکر شده در حفظ و تکامل خط سهم و نقش ویژه ای دارند. برای مثال، زیربنای استوار خط «رهروان و مقلدان» خوشنویسی هستند و نظیره نویسان به حفظ و اشاعه آن اهتمام می کنند. تلفیقی نویسان به امید توفیق در پیشرفت خط، به امتزاج و ترکیب شیوه ها دست می زنند و بالاخره مستقل نویسان با ابداع شیوه هایی که نمونه تاریخی نداشته اند، در جهت تکامل خط گام برمی دارند و در تاریخ ماندگار می شوند. ایشان حرکت های بنیادی را در زیبایی شناسی خط پی ریزی می کنند. آثار این دسته مختصات یک شیوه مستقل را دارد.

در این مرحله، اگر در حدود پانزده سال پیش (سال ۱۳۸۰) «نهضت بازگشت به قدما» منشأ تنوع و دل پذیری را در خط فراهم کرد، در آغاز دهه ۹۰ باید «تولد نهضت مستقل نویسان» را جشن بگیریم؛ زیرا با اهتمام مستقل نویسان نهضت خروج از نام های بزرگ در خط جان گرفته است. در دوره فعلی، شاهد خطوطی از نسل دوم و سوم خوشنویسی ایران هستیم که وام دار شیوه ای خاص در خوشنویسی نیستند بلکه با قدرت و توان بالا و به شکل خودجوش و درون زا به کشف شیوه هایی بدیع در خط نستعلیق نائل آمده اند. در واقع، این نکته مهم دستاورد بزرگی برای خوشنویسی معاصر به شمار می آید. بنابراین باید این دستاورد را به مقلدان عاشق، نظیره نویسان با احساس، تلفیقی نویسان جست و جوگر و مستقل نویسان صبور به مثابه یک پیوستار قوی، تریک گفت؛ دستاوردی که نشان می دهد خوشنویسی از سایه سار نام های بزرگ و سیطره آن ها خارج شده است.

مستقل نویسان کسانی هستند که ارایه هنر

